

دکتر محمدباقر بهشتی*

تحلیل اشتغال و بیکاری و ارائه راه‌حلی مناسب برای بیکاری در ایران

چکیده:

بازار کار در کشور با نارساییهای زیادی مواجه است که عدم استفاده از همه نیروی انسانی و ضعف ایمان به کار و وجدان کاری از آن جمله است. بررسی روند افزایش جمعیت و نیروی انسانی کشور در دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵ بیانگر شکاف شدید بین عرضه و تقاضای کار است و پیش‌بینی می‌شود که اگر در زمینه ایجاد فرصتهای اشتغال مولد اقدامهای اساسی صورت نگیرد، در دوره ۱۳۷۸-۱۳۸۳ تعداد بیکاران کشور بسیار افزایش یابد.

شیوع انواع دیگر بیکاری از جمله: بیکاری فصلی، بیکاری ساختاری، بیکاری پنهان و همین‌طور وجود پدیده کم‌کاری، از سویی، و اشتغال تعداد قابل توجهی از شاغلان در بیش از یک شغل، به دلایل متعدد، از

* عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه تبریز

سوی دیگر، همه و همه دلیلی بر اهمیت معضل بیکاری در ایران است و ضرورت دارد این مشکل اساسی و ملی، عالمانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و راه‌حلهایی مناسب ارائه گردد.

نگارنده بر آن است تا ساختار اشتغال و بیکاری کشور در دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵ (و همین‌طور در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ با استفاده از ارقام لایحه برنامه سوم توسعه) را مورد بررسی قرار دهد و ضرورت جدی گرفتن اهمیت بسیج عمومی برای کار و تلاش فراخور با نیازهای توسعه کشور را تبیین کند. این تحقیق از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی و از نظر جمع‌آوری آمار و اطلاعات و تجزیه و تحلیل، یک تحقیق توصیفی محسوب می‌گردد. یافته‌های برجسته تحقیق مبین آن است که به طور کلی در دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵:

- ۱- GDP در هر سال به طور متوسط $۱/۰۴$ درصد رشد داشته در حالی که GDP سرانه در همین مدت سالانه $۱/۸۴$ درصد افت داشته است.
- ۲- بهره‌وری کار، سالانه $۱/۹۷$ درصد افت داشته است.
- ۳- نه فقط افزایش جمعیت مصرف‌کننده بر جمعیت تولیدکننده پیشی گرفته، بلکه گرایش جمعیت کل و جمعیت فعال به سکونت در مناطق شهری بوده است.
- ۴- شاغلان بخشهای خدمات به طرز چشمگیری افزایش یافته است؛ به طوری که در نتیجه رشد ۹۳ درصدی آن، تعداد آن از ۱،۹۵۰ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۳،۷۶۴ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ بالغ شده است؛ و در این مدت سهم بخش خدمات از اشتغال کشور از $۳۰/۹$ درصد به $۴۴/۵$ درصد رسیده است.
- ۵- جذب شدن $۷۴/۱$ درصد از دانش‌آموختگان سطوح عالی در

بخش خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی، نشان می‌دهد که هنوز بخشهای تولیدکننده کالا برای تحصیلکردگان دانشگاهی جاذبه‌ای ندارد.

۶- مشکل اساسی بیکاری در کشور عمدتاً متوجه جمعیت جوان جویای کار است، به طوری که «گروه سنی ۲۴-۱۵» در سال ۱۳۷۵ نیمی از بیکاران را تشکیل می‌دهد.

راه حل بیکاری در کشور منوط به این است که نظام اقتصادی تبیین شود و سهم‌بری در جامعه متناسب با ایجاد ارزش افزوده تعیین گردد و با اتخاذ سیاستهای اقتصادی مناسب، راههای برخورداری از امکانات جامعه (غیر از ارزش افزوده) مسدود گردد. در این صورت است که می‌توان با تعریف دقیق مفهوم کار، نه فقط همه نیروی انسانی را در راه توسعه به کار گرفت بلکه با اتخاذ سیاست «یک شغلی»، در کنار پرداخت مناسب به عامل کار، فقر را نیز ریشه کن کرد و با افزایش بهره‌وری کار بر رشد اقتصادی تداوم بخشید.

۱- مقدمه

اگر چه مهمترین منبع اقتصادی جوامع را در واقع نیروی انسانی آنها تشکیل می‌دهد، متأسفانه در کشور ما از این عامل نیز، مانند دیگر عوامل اقتصادی، استفاده بهینه نمی‌شود و به همین منظور بازار کار ایران با نارساییهای زیادی مواجه است که عدم استفاده از همه نیروی انسانی و ضعف ایمان به کار و وجدان کاری از آن جمله است.

تحقیقاتی که در زمینه بازار کار در ایران صورت گرفته، به دلیل محدودیت شدید آمار، عمدتاً به توصیف یا تحلیل آمار اشتغال و بیکاری منتج از سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن محدود بوده و بنابراین به دیگر ابعاد

اشتغال و نیروی انسانی چندان اعتنایی نشده است.

بررسی روند افزایش جمعیت و نیروی انسانی کشور در دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵ بیانگر آن است که در این مدت بر شمار جمعیت کشور ۲۶،۳۴۷ هزار نفر، بر تعداد جمعیت غیرفعال ۱۶،۱۶۷ هزار نفر و بر تعداد عرضه کار ۶،۲۳۱ هزار نفر افزوده شده است، در حالی که در همین مدت جمعاً ۵،۷۷۲ هزار فرصت شغلی ایجاد شده است که بیانگر افزایش تعداد بیکاران کشور از حدود یک میلیون در سال ۱۳۵۵، به ۱/۵ میلیون در سال ۱۳۷۵ و حدود ۲/۸ میلیون در سال ۱۳۷۸ است و پیش بینی می شود اگر روند اشتغال اصلاح نشود، تعداد بیکاران کشور در سال ۱۳۸۳ به ۴/۶ میلیون (یا نرخ آن به ۲۱/۴٪) افزایش یابد.^۱

البته این ارقام تنها نشان دهنده میزان بیکاری آشکار است؛ چرا که برای یافتن آمار واقعی بیکاری، باید شمار بیکاران فصلی و بیکاران پنهان را هم بر آن افزود و علاوه بر این، پدیده کم کاری را هم مورد ملاحظه قرار داد و ساختار اشتغال و تغییرات آن را هم بررسی کرد. این حقیقت را نیز نباید نادیده گرفت که علی رغم شمار قابل توجه بیکاران، به دلایل متعدد از جمله ناسازگاری نظام آموزشی با توسعه و پرداخت نامناسب به عامل کار، تعداد قابل توجهی از شاغلان، بیش از یک کار دارند که این پدیده خود بر شدت بیکاری می افزاید. از طرف دیگر، به لحاظ عدم انطباق سهم ببری از امکانات جامعه با داشتن سهم در ارزش افزوده، و نداشتن مرجع مسؤل تعیین نوع تکنولوژی، در موارد بسیار تکنولوژیهای سرمایه بر بدون اینکه ضرورتی داشته باشد، مورد استفاده قرار می گیرد که این امر خود بر معضل بیکاری می افزاید.

می توان گفت حل مشکل بیکاری کشور در گرو ایجاد تغییرات

ساختاری در اقتصاد کشور است و در شرایط اقتصادی فعلی کشور، چنانکه بپذیریم که بیکاری مهم‌ترین معضل کشور است، در این صورت مصلحت جامعه اقتضا می‌کند که اولاً تحلیل واقع‌بینانه‌ای از این مسأله مهم ملی به عمل آید و آن‌گاه برای حل آن اقدامات مناسبی صورت گیرد.

همان‌طور که اشاره شد، در مورد اشتغال و بیکاری، کارهای پژوهشی محدودی صورت گرفته است که در این مقاله به دو مورد از آخرین آنها اشاره می‌شود.

در تحقیقی تحت عنوان «بازار کار، اشتغال و بیکاری»، که توسط فرجادی و عباسی انجام شده، بازار کار به شیوه تحقیق توصیفی در دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۲ مورد بررسی قرار گرفته است. در این مطالعه محققان، ضمن ذکر عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای نیروی انسانی، تصویری از اشتغال و بیکاری ایران در دوره مورد اشاره ارائه داده و با استفاده از جدول، داده - ستانده ۱۳۶۷، ضریبهای کاربری و میزان اشتغالزایی در بخشهای مختلف اقتصادی را مورد محاسبه قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که (بجز بخشهای آموزش و پرورش بهداشت و درمان، دفاع و امور عمومی)، بخشهای ساختمان مسکونی و غیرمسکونی، تولید فرش و گلیم، منسوجات (بجز پوشاک، ریسندگی و بافندگی)، علاوه بر آن که بیشترین میزان اشتغال مستقیم را ایجاد می‌کنند به دلیل حلقه ارتباطی قویتری که با سایر بخشهای اقتصادی دارند، بیشترین میزان اشتغال غیرمستقیم را نیز می‌آفرینند. از نتایج این پژوهش مشخص می‌شود که بخش ساختمان (اعم از مسکونی و غیرمسکونی) از ضریب کاربری بسیار بالایی برخوردار است و شکوفایی آن می‌تواند تأثیر زیادی در افزایش اشتغال داشته باشد.^۲

در برنامه سوّم توسعه با استفاده از الگوی اقتصادسنجی، همه بخشهای اقتصادی از جمله اشتغال و بیکاری مورد بررسی واقع شده است.^۳ در قسمت اشتغال و بیکاری، ضمن اشاره به نامناسب بودن کاربرد یک تابع کلی عرضه نیروی کار و همچنین یک تابع کلی تقاضای نیروی کار، تلاش شده است از معادلات بیشتری، از جمله با استفاده از الگوهای متفاوت برای زنان و مردان و برای گروههای سنی مختلف، برای توضیح بازار کار ایران استفاده شود.^۴

در سند برنامه سوّم، محدوده زمانی ۱۳۵۵-۱۳۷۵ مورد استفاده قرار گرفته و نتیجه گیری شده است که در این دوره بهره‌وری نیروی کار کاهش یافته است که این امر، بیانگر وجود بیکاری پنهان در اقتصاد است.^۵ همچنین در این سند گفته شده است که کاربرد تکنیک سرمایه‌برمتناسب با ضرورت‌های بازار کار ایران نیست و باعث تشدید کاهش بهره‌وری سرمایه شده است.^۶

همان‌طور که از عنوان مقاله هم برمی‌آید، این مقاله در پی بیان این حقیقت است که اگر در کشور کار واقعاً جدّی گرفته شود مشکل بیکاری هم حل‌شدنی است. این مقاله بر آن است تا ساختار اشتغال و بیکاری کشور در دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵ (و همین‌طور در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ با استفاده از ارقام لایحه برنامه سوّم توسعه) را مورد بررسی قرار دهد و ضرورت جدّی گرفتن اهمیت بسیج عمومی برای کار و تلاش فراخور با نیازهای توسعه کشور را نمایان سازد.

این تحقیق از نظر هدف یک تحقیق کاربردی و از نظر جمع‌آوری آمار و اطلاعات و تجزیه و تحلیل (با توجه به محدودیتهای آماری) یک تحقیق توصیفی محسوب می‌گردد.

در این مقاله سعی می‌شود ابتدا شاخصهای مهم اقتصادی به طور

فشرده مورد بررسی قرار گیرد، سپس ویژگیهای شاغلان و وضعیت شغلی آنان مرور شود، و آنگاه برای آنکه مقایسه‌ای بین بخش خصوصی و عمومی از نظر اشتغال به عمل آید، وضعیت سواد شاغلان این دو بخش و بعد پدیده بیکاری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در قسمت نتیجه‌گیری، یافته‌های تحقیق تفسیر و در پایان پیشنهادهایی برای رفع مشکل بیکاری در کشور ارائه می‌گردد.

۲- شاخص‌های مهم اقتصادی

دوره بیست‌ساله ۱۳۵۵-۱۳۷۵ را از نظر اقتصادی می‌توان به دو دوره دهساله ۱۳۵۵-۱۳۶۵ و ۱۳۶۵-۱۳۷۵ تقسیم کرد. در دوره اول تولید ناخالص داخلی (GDP) سالانه ۲/۰۳ درصد، GDP سرانه سالانه ۵/۷۲ درصد تقلیل یافته، لکن در دوره دوم GDP هر سال ۴/۲۰ درصد و GDP سرانه هر سال ۲/۲۰ درصد رشد داشته است. به طور کلی در دوره بیست‌ساله مورد بررسی، GDP سالانه ۱/۰۴ درصد رشد و در عین حال GDP سرانه در هر سال ۱/۸۴ درصد افت داشته است. میزان GDP سرانه از ۳۹۰ هزارریال در سال ۱۳۵۵ به ۲۶۹ هزارریال در سال ۱۳۷۵ (به قیمت سال ۱۳۶۱) کاهش یافته است که مبین افت کلی ۳۱ درصد می‌باشد.

بررسی روند ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد که ارزش افزوده کشاورزی در کل دوره از رشد مستمر برخوردار بوده است؛ چنان که در این دوره، سالانه ۴/۱۸ درصد، در دوره ۱۳۵۵-۱۳۶۵، سالانه ۴/۵۰ درصد و در دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵ هر سال ۳/۸۵ درصد و ارزش افزوده بخش خدمات نیز در دوره مورد بررسی، سالانه

۱/۵۰ درصد رشد داشته است، لکن در دهسالهٔ اوّل رشد آن بسیار ناچیز (۰/۰۳ درصد در سال) و در دورهٔ دوّم رشد آن قابل توجه (۲/۹۹ درصد در سال) بوده است.

ارزش افزودهٔ بخش صنعت در کلّ دوره، سالانه ۰/۸۱ درصد افت داشته که علّت آن، کاهش ۷/۰۴ درصدی ارزش افزودهٔ صنعت در دورهٔ اوّل بوده است که با پایان یافتن جنگ تحمیلی ارزش افزودهٔ آن در دورهٔ ۱۳۶۵-۱۳۷۵ سالانه به طور متوسط ۵/۸۳ درصد افزایش داشته است (جدول شمارهٔ یک و شمارهٔ یک ضمیمه).

در برنامهٔ دوّم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، پیش‌بینی شده بود که تولید ناخالص داخلی، سالانه ۵/۱ درصد رشد داشته باشد، لکن عملکرد چهارسالهٔ آن نشان می‌دهد که رشد آن در سالهای ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ به ترتیب ۴/۵، ۵/۸، ۳/۴ و ۱/۶ درصد بوده است.^۸

از لحاظ اشتغال، همهٔ بخشهای اقتصادی (بجز بخش صنعت در دورهٔ ۱۳۵۵-۱۳۶۵) از رشد برخوردار بوده، لکن روند بهره‌وری کار (ارزش افزودهٔ سرانه)، مانند روند GDP سرانه، بهره‌وری کار در کلّ بخشهای اقتصادی در دورهٔ ۱۳۵۵-۱۳۶۵ سالانه ۴/۲۰ درصد و در کلّ دوره، سالانه ۱/۹۷ درصد افت داشته، اما در دورهٔ ۱۳۶۵-۱۳۷۵ از رشد سالانهٔ ۲/۶۵ درصدی برخوردار بوده است.

بهره‌وری کار در بخش کشاورزی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده، اما در بخشهای صنعت و خدمات فقط در دورهٔ ۱۳۶۵-۱۳۷۵ رشدی داشته است! ضمن این که رشد بهره‌وری کار در بخش خدمات در دورهٔ اخیر بسیار ناچیز (سالانه ۰/۰۴ درصد) بوده است.

به طور کلی، میزان بهره‌وری کار در کلّ بخشهای اقتصادی در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۵۵ حدود ۲۶ درصد کاهش یافته، اما در بخش کشاورزی به بیش از دو برابر رسیده است؛ در حالی که در بخش صنعت ۴۳ درصد و در بخش خدمات هم ۴۴ درصد کاهش یافته است. ضمناً بهره‌وری کار در خدمات در سال ۱۳۷۵ از بهره‌وری کار در کشاورزی پایین افتاده است (جدول شماره یک و شماره یک ضمیمه).

مقایسه بهره‌وری نسبی^۹ بخشهای اقتصادی نشان می‌دهد که در بخش کشاورزی میزان آن از سیر صعودی برخوردار بوده و در سال ۱۳۷۵، سهم ارزش افزوده با سهم اشتغال تقریباً یکسان شده است، در حالی که بهره‌وری نسبی بخش صنعت سیر نزولی داشته است. با این حال میزان آن در بخش صنعت از یک بیشتر می‌باشد که اهمیت صنعت را در تولید بیشتر از اشتغال تصریح می‌کند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت به دلیل استفاده از تکنولوژیهای سرمایه‌بر، نقش اشتغالزایی صنعت چندان زیاد نیست.

ضمناً نزولی بودن بهره‌وری نسبی بخش خدمات به کمتر از یک نشان می‌دهد که این بخش از لحاظ اشتغالزایی بیش از تولید اهمیت داشته است که با توجه به رکود اقتصادی می‌توان به گسترش کم‌کاری و بیکاری پنهان در این بخش پی برد.

از مجموع ارقام فوق می‌توان نتیجه گرفت که در دوره دهساله ۱۳۶۵-۱۳۵۵ شاخصهای عمده اقتصادی در همه بخشها، بجز بخش کشاورزی، افت داشته و تغییر روند این شاخصها در دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵ نتوانسته روند کاهشی دوره قبل را جبران نماید؛ یعنی در اقتصاد ایران عوامل تولید به طور ناقص به کار گرفته می‌شوند. به همین دلیل در کوشش برای رفع

مشکلات اقتصادی کشور باید به امور اقتصادی اولویت و اهمیت بیشتری قایل شد.

جدول شماره یک - رشد شاخص های مهم اقتصادی (%)

شماره	۱۳۶۵-۱۳۵۵	۱۳۷۵-۱۳۶۵	۱۳۷۵-۱۳۵۵
تولید ناخالص داخلی	-۲/۰۳	۴/۲۰	۱/۰۴
ارزش افزوده کشاورزی	۴/۵۰	۳/۸۵	۴/۱۸
ارزش افزوده صنعت	-۷/۰۴	۵/۸۳	-۰/۸۱
ارزش افزوده خدمات	۰/۰۳	۲/۹۹	۱/۵۰
تولید ناخالص داخلی سرانه	-۵/۷۲	۲/۲۰	-۱/۸۴
بهره وری کار کل بخشها	-۴/۲۰	۲/۶۵	-۱/۹۷
بهره وری کار کشاورزی	۳/۸۳	۶/۷۷	۴/۸۰
بهره وری کار صنعت	-۶/۲۹	۱/۸۵	-۳/۶۵
بهره وری کار خدمات	-۵/۶۸	۰/۰۴	-۳/۸۱
اشتغال کل بخشها	۲/۲۶	۲/۸۵	۲/۵۵
اشتغال کشاورزی	۰/۶۵	-۰/۵۱	-۰/۸۵
اشتغال صنعت	-۰/۸۰	۴/۸۲	۲/۰۰
اشتغال خدمات	۵/۵۵	۳/۳۴	۴/۴۴

منبع: محاسبه شده از:

- ۱- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵
- ۲- سازمان برنامه و بودجه، مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی - اجتماعی تا سال ۱۳۷۵، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان، تهران، ۱۳۷۶.

جدول شماره ۲ - بهره وری نسبی بخشهای اقتصادی در سالهای

۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

نام بخش	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
کشاورزی	۰/۳۷	۰/۸۵	۱/۰۴
صنعت	۱/۵۵	۱/۲۶	۱/۲۲
خدمات	۱/۰۸	۰/۹۵	۰/۸۳

منبع آماری: جدول یک ضمیمه

۳- سواد شاغلان در بخشهای اقتصادی

در دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵ بر تعداد شاغلان باسواد $7/9$ میلیون نفر افزوده شده که $2/1$ میلیون نفر بیشتر از $5/8$ میلیون نفری است که بر تعداد شاغلان در این مدت اضافه شده است. این آمار نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از شاغلان بی‌سواد تحت پوشش فعالیت‌های مبارزه با بیسوادی قرار گرفته‌اند (جدول شماره ۴ ضمیمه).

درصد سواد شاغلان در این مدت به طرز چشمگیری افزایش یافته و از $41/7$ درصد در سال ۱۳۵۵ به $78/6$ درصد در سال ۱۳۷۵ بالغ شده است. همچنین ترکیب سواد شاغلان نیز بهبود یافته به طوری که سهم شاغلان با تحصیلات عالی از $7/5$ درصد در سال ۱۳۵۵ به $12/3$ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته و سهم شاغلان با تحصیلات متوسطه نیز از $16/1$ درصد به $23/0$ درصد رسیده است.

سطح سواد شاغلان در بخشهای اقتصادی باهم تفاوت معنی‌داری دارد. مثلاً در حالی که حدود ثلث شاغلان باسواد در خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی تحصیلات عالی داشته‌اند، در بخش کشاورزی فقط $0/9$ درصد از شاغلان باسواد از تحصیلات عالی برخوردار بوده‌اند. ضمن این که در این بخش ۴۸ درصد شاغلان سواد نداشته‌اند، و ۵۱ درصد از باسوادان نیز سواد ابتدایی داشته‌اند. همه ارقام نشان می‌دهد که نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی به مراتب از توانایی بالقوه پایین تری برخوردار می‌باشند.

ترکیب $7/9$ میلیون شاغل باسواد افزوده شده بر تعداد شاغلان در دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد که ۲۵ درصد آنان از سواد ابتدایی، $28/6$ درصد از تحصیلات راهنمایی، $26/1$ درصد از تحصیلات متوسطه و $14/4$

درصد از تحصیلات دانشگاهی برخوردار بوده‌اند و ۷۴/۱ درصد از تحصیلکردگان عالی نیز در بخش خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی جذب شده‌اند، در حالی که سهم بخش صنعت از دانش‌آموختگان سطوح عالی ۶/۲ درصد و سهم بخش کشاورزی و بخش معدن به ترتیب ۱/۱ درصد و ۰/۸ درصد می‌باشد. بدین ترتیب بخشهای تولیدکننده کالا جذبۀ زیادی برای تحصیلکردگان دانشگاهی نداشته‌اند.

۴- شاغلان برحسب وضعیت شغلی

در سال ۱۳۷۵ از کل شاغلان، ۶۷/۶ درصد در بخش خصوصی، ۲۹/۲ درصد در بخش عمومی کار می‌کرده‌اند و وضعیت شغلی ۳/۲ درصد شاغلان نیز نامعلوم گزارش شده است.^{۱۰} سهم بخش خصوصی در قیاس با سال ۱۳۶۵ (که ۶۴/۵ درصد بوده) افزایش یافته اما نسبت به سال ۱۳۵۵ (که ۸۰/۵ درصد بوده) تقلیل یافته است که این تغییرات بوضوح اتخاذ سیاستهای گسترش قلمرو بخش عمومی در سالهای اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تعدیل آن در دهه دوم بعد از انقلاب را نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۷۵، ۵۲۷،۵۱۰ کارفرما، ۳،۳۲۷،۱۸۷ نفر را در استخدام داشتند؛ به عبارت دیگر، به طور متوسط هر کارفرما ۶/۳ نفر را به کار گرفته بود. این تعداد در سال ۱۳۶۵ برابر ۵/۵ نفر و در سال ۱۳۵۵ مساوی ۱۶/۶ نفر بوده است که نشان می‌دهد در دوره بعد از انقلاب (بویژه در دهه اول) بعد کارگاههای بخش خصوصی بسیار کوچک شده است. ضمن این که سهم شاغلان با وضعیت کارکن مستقل از ۳۱/۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳۹/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته و در سال ۱۳۷۵ به ۳۵/۷ درصد رسیده است که این ارقام نشان

می‌دهد در دوره بعد از انقلاب گرایش به سمت ایجاد کارگاه‌های تک‌نفری بیشتر شده است.

نکته قابل توجه، افزایش سهم شاغلان بخش عمومی از ۱۹/۰ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۹/۲ درصد در سال ۱۳۷۵ است؛ یعنی تعداد آن از ۱/۷ میلیون نفر به ۴/۳ میلیون نفر رسیده است که گویای رشد ۱۵۳ درصدی کارکنان بخش عمومی است. ضمناً در سال ۱۳۷۵ حدود ۶۶/۸ درصد شاغلان بخش عمومی را شاغلان خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی تشکیل می‌داده‌اند. تعداد شاغلان صنعت در بخش عمومی (۵۲۳ هزار نفر) نیز نسبت به سال ۱۳۵۵ (۱۴۱ هزار نفر) حدود ۳/۷ برابر شده است.

از لحاظ اشتغال، بیش از نیمی از بخش‌های معدن (۲/۸۰ درصد)، آب و برق و گاز (۳/۸۲ درصد)، خدمات مؤسسات مالی و بیمه (۷/۵۹ درصد) و خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی (۷/۸۶ درصد) به بخش عمومی تعلق داشته، اکثر اشتغال بخش‌های دیگر در اختیار بخش خصوصی بوده است. تنها تغییر عمده در این نسبتها به خدمات مؤسسات مالی و بیمه مربوط می‌شود که در اثر ملی شدن آنها در بعد از انقلاب، شاغلان به بخش عمومی انتقال یافتند.

از کل شاغلان کشور در سال ۱۳۷۵ تعداد ۷,۵۸۶ هزار نفر حقوق‌بگیر بوده‌اند که ۱/۵۲ درصد شاغلان را تشکیل می‌داده‌اند. ضمناً ۷۹۷ هزار نفر از شاغلان به صورت کارکن فامیلی بدون مزد کار می‌کرده‌اند. چنانچه به این تعداد نیمی از کارکنان مستقل را هم بیافزاییم تعداد ۱۰,۹۸۲ هزار نفر از ۱۴,۵۷۲ هزار شاغل را کسانی می‌توان نامید که در مقابل تورم آسیب‌پذیر می‌باشند؛ به عبارت دیگر، اگر مسؤولان بدانند که حدود ۴/۷۵ درصد از شاغلان کشور از فشارهای تورمی متضرر می‌شوند به نظر می‌رسد در سیاستهای اقتصادی دقت بیشتری

خواهند کرد.

۵- سواد شاغلان بخش خصوصی و بخش عمومی

در سرشماری^{۱۱} ۱۳۶۵، ۳/۴۰ درصد کل شاغلان، ۲/۵۴ درصد شاغلان بخش خصوصی و ۶/۱۳ درصد شاغلان بخش عمومی بی سواد بودند. در سال ۱۳۷۵ این نسبتها به ترتیب به ۴/۲۱ درصد، ۸/۲۸ درصد و ۷/۴ درصد تقلیل یافته که بیانگر کاهش نسبتاً بیشتر بی سوادی بخش خصوصی می باشد. با وجود این، در سال ۱۳۷۵ از کل شاغلان (۶/۱۴ میلیون نفر) ۳،۱۲۴ هزار نفر بی سواد بودند که ۱/۹۰ درصد آنان در بخش خصوصی کار می کرده اند.^{۱۲}

نکته مهم این است که از مجموع ۵۲۷،۵۱۰ کارفرمای بخش خصوصی ۴/۲۰ درصد بی سواد بودند و از بین کارفرمایان با سواد این بخش هم ۱/۵۶ درصد سواد ابتدایی و راهنمایی داشتند و تنها ۱/۹ درصد دارای تحصیلات عالی و ۱/۳۵ درصد دارای سواد متوسطه و عالی بودند. به عبارت دیگر، کمتر از ثلث کارفرمایان، توان بالقوه استفاده از روشهای علمی را در کار خود دارند. اگر توجه کنیم که از کل شاغلان، ۳/۱۲ درصد تحصیلات عالی (۳/۳۵ درصد تحصیلات عالی متوسطه) داشته اند به این نکته می رسیم که در بخش خصوصی جمعاً ۲/۳ درصد از شاغلان از تحصیلات دانشگاهی (۱/۲۰ درصد از تحصیلات عالی و متوسطه) برخوردار می باشند، در حالی که در بخش عمومی، ۹/۲۷ درصد از شاغلان دارای تحصیلات دانشگاهی (۵/۶۱ درصد دارای تحصیلات عالی و متوسطه) می باشند. این ارقام نشان می دهد که بخش خصوصی برای ایفای وظیفه خود در زمینه اداره اقتصاد جامعه باید چنان تحول

یابد که توانایی لازم را به دست آورد.

بررسی اشتغال به تفکیک مرد و زن و بر حسب سواد نشان می‌دهد که میزان بی‌سوادی زنان (۱/۲۰ درصد) کمتر از مردان (۶/۲۱ درصد) می‌باشد. اما تفکیک آن بر حسب بخش خصوصی و عمومی بیان می‌دارد که میزان بی‌سوادی زنان در بخش خصوصی (۱/۳۳ درصد) بیشتر از مردان (۳/۲۸ درصد) است، در حالی که در بخش عمومی عکس آن صادق می‌باشد (بی‌سوادی زنان ۳/۲ درصد و مردان ۲/۵ درصد می‌باشد).

ترکیب شاغلان باسواد زن و مرد نشان می‌دهد که از شاغلان زن ۶/۲۷ درصد دارای تحصیلات عالی (۰/۵۴ درصد عالی و متوسطه) و از شاغلان باسواد مرد ۱/۱۰ درصد از تحصیلات دانشگاهی (۶/۳۲ درصد عالی و متوسطه) برخوردار بودند که این آمار مبین توانایی بالقوه نسبتاً بالای زنان شاغل در قیاس با مردان است. البته زنان شاغل با تحصیلات کیفی بالاتر عمدتاً در بخش عمومی کار می‌کرده‌اند، به طوری که ۶/۴۹ درصدشان دارای تحصیلات دانشگاهی (۸/۸۹ درصد دارای تحصیلات عالی و متوسطه) بوده‌اند. ولی در بخش خصوصی این نسبت فقط ۸/۴ درصد (عالی و متوسطه ۷/۱۶ درصد) بوده است. یعنی زنان شاغل مخصوصاً با تحصیلات دانشگاهی عمدتاً تمایل به اشتغال در بخش عمومی دارند.

ع- بیکاری

نرخ بیکاری در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۵۵ (۲/۱۰ درصد) و سال ۱۳۶۵ (۲/۱۴ درصد) تقلیل یافته و تعداد بیکاران در جستجوی کار نیز در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ کمتر شده است.

در سال ۱۳۵۵ از کلّ بیکاران ۳۱/۴ درصد باسواد، ۷۶/۲ درصد مرد، ۲۲/۴ درصد شهرنشین بودند. در سال ۱۳۷۵ از بیکاران جویان کار ۸۲/۳ درصد باسواد، ۸۱/۳ درصد مرد، ۵۸/۷ درصد شهرنشین بودند که روند تغییر با روند بهبود سواد کلّ جمعیت، سهم مردان در جمعیت فعال (۸۵/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ و ۸۷/۳ درصد در سال ۱۳۷۵) و روند شهرنشینی تقریباً هماهنگی داشته است (جدول شماره ۳).

در سال ۱۳۷۵ از کلّ ۱،۴۵۵،۶۵۱ بیکار جویای کار، ۲۵۷ هزار نفر بی سواد و ۱،۱۹۸ هزار نفر باسواد بودند. از باسوادان ۲۹/۴ درصد سواد ابتدایی، ۳۰/۲ درصد سواد راهنمایی، ۳۰/۳ درصد سواد متوسطه داشتند و تنها ۴/۹ درصد (۵۸ هزار نفر) تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند که از این تعداد ۳۹ هزار نفر مرد و ۱۹ هزار نفر زن بودند؛ به بیان دیگر، کسانی که توانایی بالقوه بالاتری داشته‌اند از فرصتهای اشتغال بیشتری هم برخوردار بوده‌اند.

در سال ۱۳۵۵، از کلّ جویندگان کار ۴۷/۷ درصد در گروه سنی ۱۰-۲۴ ساله قرار داشتند و در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ این گروه سنی به ترتیب ۶۰/۸ درصد و ۵۷/۲ درصد بیکاران را تشکیل می‌داده است که نشان می‌دهد مشکل اساسی بیکاری در کشور عمدتاً متوجه جمعیت جوان جویای کار است (در سال ۱۳۷۵ حدود ۷۸/۸ درصد بیکاران زن و ۵۲/۵ درصد بیکاران مرد در این گروه قرار داشتند). ضمناً گروه سنی ۱۵-۲۴ نیمی از بیکاران را در سال ۱۳۷۵ تشکیل می‌دهد (۴۶/۸ درصد مردان و ۶۴/۵ درصد زنان جویای کار). بیکاری در ایران انواع متعدّد دارد که آنچه در بالا ذکر شد، فقط به بیکاری آشکار مربوط است. دیگر انواع بیکاری عبارتند از:

الف - بیکاری فصلی: که در فعالیتهایی نظیر کشاورزی (سنّتی) و

ساختمانی که در فصولی خاص از سال صورت می‌گیرند، وجود دارد.

ب - بیکاری ساختاری: که از دوگانگی اقتصاد کشور ناشی می‌شود.

بدین معنی که ماشین‌آلات مورد استفاده در تولید عمدتاً از نوعی هستند که سرمایه‌بر بوده و با ساختار اقتصادی کشورهای توسعه یافته سازگار می‌باشند؛ زیرا در این کشورها به دلیل پایین بودن نرخ رشد جمعیت و بالا بودن بهای کار و همین‌طور قرار داشتن در مراحل پیشرفته‌تری از توسعه، کاربرد تکنولوژیهای سرمایه‌بر نه فقط به صرفه است، بلکه انسانها از انجام بسیاری از مشاغل پست رها شده‌اند و در عوض روزبه‌روز بر دامنه مشاغل مولد در بخش خدمات افزوده می‌گردد و برای همین است که در این کشورها سهم بخش خدمات در اشتغال از ۶۰ درصد بیشتر است. اما در ایران که به دلیل نرخ رشد جمعیت بالاتر، هر روز به تعداد جویندگان کار افزوده می‌شود، استفاده از تکنولوژی سرمایه‌بر هم فرصت اشتغال محدودی ایجاد می‌کند و هم در موارد عدیده به لحاظ اینکه نوع تکنولوژی به نیروی متخصص سطح بالا نیاز دارد، به دنبال ورود تکنولوژی، استخدام کارشناسان خارجی نیز به کشور تحمیل می‌شود.

ج - بیکاری پنهان: بدین معنی که فرد به ظاهر شاغل است ولی اگر از

کار برکنار شود، هیچ تأثیر منفی در تولید ایجاد نمی‌شود، به عبارت دیگر به کسی که ارزش افزوده او صفر باشد، می‌توان بیکار پنهان یا شاغل کاذب نامید. اگر تعریف بیکاری پنهان را به بنگاههایی که ارزش افزوده ایجاد نمی‌کنند، هم تعمیم دهیم در این صورت تعداد قابل توجهی از مشاغل موجود در کشور بویژه در بخش خدمات (نظیر بسیاری از بنگاههای معاملات ملکی، معاملات اتومبیل، دست‌فروشی‌ها، کوپن‌فروشی‌ها، روزنامه‌فروشی‌ها و بقالی‌ها) چون ارزش افزوده ایجاد نمی‌کنند زاید تلقی می‌شوند و بنابراین شاغلان آنها در زمره

بیکاران پنهان به شمار می‌روند.

ملاحظه می‌شود که دامنهٔ بیکاری در ایران بسیار وسیع است و اگر پندیدهٔ کم‌کاری را هم، که خود در بسیاری از محلّهای کار شایع است، لحاظ کنیم آن گاه معلوم می‌گردد که معضل بیکاری در ایران وسیعتر و عمیقتر از آن است که معمولاً در معضل بیکاری آشکار خلاصه می‌شود. متأسفانه نبود آمار دیگر انواع بیکاری و کم‌کاری مانع آن می‌شود که میزان واقعی از عدم استفادهٔ صحیح از منابع انسانی محاسبه شود. شاید اگر گفته شود این نرخ بیش از ۵۰ درصد می‌باشد، احتمالاً دور از حقیقت نخواهد بود.

۷- تفسیر یافته‌ها

از آنچه که گذشت معلوم شد که در دورهٔ مورد بررسی:

۱- علی‌رغم بالا رفتن سواد عمومی و سواد شاغلان، کلّ اقتصاد کشور از رشد مستمرّ برخوردار نبوده و در بین بخشهای اقتصادی فقط بخش کشاورزی رشد نسبتاً پایداری داشته است. البته اگر توجه کنیم که هنوز نیمی از شاغلان بخش کشاورزی بی‌سواد بوده و از بین باسوادان هم کمتر از یک درصد بالاتر از متوسطه سواد دارند به این نتیجه می‌رسیم که حاکمیت در این بخش با کشاورزی سنتی است. از این رو برای این که در این بخش تحوّل قابل توجهی صورت گیرد، لازم است جاذبهٔ کشاورزی چنان باشد که نیروی انسانی با کیفیت بالا و با قدرت به کارگیری روشهای علمی در آن وارد شود.

۲- پایین رفتن میزان بهره‌وری کار در تمام بخشها (بجز کشاورزی) را توأم با افزایش سطح سواد شاغلان می‌توان به ناسازگاری نظام آموزشی با توسعه نسبت داد. و در افزایش بهره‌وری کار در کشاورزی هم می‌توان اثربخشی سوادآموزی در بهره‌وری کشاورزان را مؤثر دانست.

جدول شماره ۳- اطلاعات اساسی جمعیت و نیروی انسانی در سالهای

۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

روستا	شهر	کل کشور	افزایش جمعیت (به هزار نفر)
۴,۷۴۶	۱۰,۹۹۰	۱۵,۷۳۶	۱۳۵۵-۱۳۶۵
۶۳۸	۹,۹۷۳	۱۰,۶۱۱	۱۳۶۵-۱۳۷۵
۵,۳۸۴	۲۰,۹۶۳	۲۶,۳۴۷	۱۳۵۵-۱۳۷۵
روستا	شهر	کل کشور	افزایش جمعیت غیر فعال (به هزار نفر)
۲,۶۸۵	۴,۱۶۲	۶,۸۴۷	۱۳۵۵-۱۳۶۵
۱,۷۲۵	۷,۵۹۵	۹,۳۲۰	۱۳۶۵-۱۳۷۵
۴,۴۱۰	۱۱,۷۵۷	۱۶,۱۶۷	۱۳۵۵-۱۳۷۵
روستا	شهر	کل کشور	افزایش عرضه کار (به هزار نفر)
۳۳۴	۲,۶۹۰	۳,۰۲۴	۱۳۵۵-۱۳۶۵
۵۷۸	۲,۶۲۹	۳,۲۰۷	۱۳۶۵-۱۳۷۵
۹۱۲	۵,۳۱۹	۶,۲۳۱	۱۳۵۵-۱۳۷۵
روستا	شهر	کل کشور	افزایش تقاضای کار (به هزار نفر)
۳۶۲	۱,۸۴۰	۲,۲۰۲	۱۳۵۵-۱۳۶۵
۷۲۴	۲,۸۴۶	۳,۵۷۰	۱۳۶۵-۱۳۷۵
۱,۰۸۶	۴,۶۸۶	۵,۷۷۲	۱۳۵۵-۱۳۷۵
روستا	شهر	کل کشور	شکاف بین عرضه و تقاضای کار - تغییر بیکاری (به هزار نفر)
-۲۸	۸۵۰	۸۲۲	۱۳۵۵-۱۳۶۵
-۱۴۶	-۲۱۷	-۳۶۳	۱۳۶۵-۱۳۷۵
-۱۷۴	۶۳۳	۴۵۹	۱۳۵۵-۱۳۷۵
روستا	شهر	کل کشور	نرخ بیکاری (درصد)
۱۴/۲	۵/۱	۱۰/۲	۱۳۵۵
۱۲/۹	۱۵/۳	۱۴/۲	۱۳۶۵
۹/۴	۸/۹	۹/۱	۱۳۷۵
۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	جمعیت بیکار جوانی کار (درصد)
۸۲/۳	۶۷/۱	۳۱/۴	باسواد
۸۱/۳	۸۱/۷	۷۶/۲	مرد
۵۸/۷	۵۹/۰	۲۲/۴	شهر نشین
۸۷/۳	۸۹/۸	۸۵/۲	سهم مردان از جمعیت فعال (درصد)

منبع: محاسبه شده از: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

۳- افزایش اشتغال در بخش خدمات را (برخلاف کشورهای توسعه یافته) می توان علامت بیماری اقتصادی کشور دانست. چراکه در ایران چون در بخشهای کشاورزی و صنعت اشتغال زیادی ایجاد نمی شود جویندگان کار به بخش دیگر که معروف به خدمات است، روی می آورند. درست است که مشاغل زیادی در خدمات واقعاً مؤید هستند، اما فعالیتها و شغلهای زیادی در این بخش هستند که نه فقط مؤید نیستند، بلکه اگر تعطیل شوند، جامعه بیشتر منتفع می شود، به عبارت دیگر، بخش خدمات را می توان بخشی «نه کشاورزی و نه صنعت» یا «بخش باقیمانده» نامید. گسترش بخش خدمات را وسیعتر شدن دامنه بخش عمومی در دوره بعد از انقلاب اسلامی و به دنبال آن ایجاد سازمانهای اداری متعدد و علی الخصوص افزایش تعداد تقسیمات کشوری شدیدتر کرده است. اگر تحقیقی انجام شود که معلوم کند در دوره بعد از انقلاب سازمانهای دولتی و عمومی چقدر فضای اداری ایجاد کرده و چقدر نیرو جذب کرده اند و در مقابل چه عملکردی داشته اند احتمالاً نتایج قابل توجهی حاصل شود.

۴- گرایش حدود سه - چهارم دارندگان مدارک تحصیلی با تحصیلات دانشگاهی به اشتغال در بخش خدمات را می توان به وجود مشکلات در بخشهای کشاورزی و صنعت و داشتن جاذبه بیشتر بخش خدمات نسبت داد.

۵- با قبول این حقیقت که بخش عمومی به دلیل مشکلات متعددی که دارد در رهبری جامعه به سوی توسعه ناتوان است، بخش خصوصی ایران نیز به دلیل پایین بودن توانایی نیروی انسانی و به لحاظ حاکمیت روابط فامیلی در آن، برای آنکه اداره اقتصاد جامعه را به دست گیرد، باید متحول شود. همان طور

که ذکر شد در دوره بعد از انقلاب نه فقط بعد کارگاه‌های بخش خصوصی کاهش یافته، بلکه سهم شاغلان مستقلّ بالا رفته است و این امر نشان می‌دهد که روحیه انزوای اقتصادی در این بخش تقویت شده و بسیاری از شاغلان ترجیح داده‌اند که به تنهایی به فعالیت اقتصادی بپردازند که این نوع گرایش، ضمن این که علامت بی‌ثباتی اقتصادی می‌باشد، با ایجاد فرصت‌های اشتغال بیشتر، مغایر است.

۶- حقوق‌بگیران، که تعداد آنها بیش از ۵۲ درصد شاغلان می‌باشد، کسانی هستند که عمدتاً غیر از نیروی کار منبعی برای تأمین معاش ندارند. به لحاظ پایین بودن میزان حقوق و دستمزد، تعداد قابل توجهی از حقوق‌بگیران بویژه در بخش عمومی بالاچاره به شغل دوّم و حتی شغل سوّم روی می‌آورند. اشتغال در بیش از یک شغل ضمن این که شاغل را فرسوده می‌کند، بهره‌وری او را هم پایین می‌آورد و علاوه بر این موجب بی‌کاری عده‌ای دیگر می‌شود. ضمن اینکه فردی که بیش از حدّ متعارف کار می‌کند، دیگر قادر نیست در رهبری سیاسی جامعه، که در اصل ۴۳ قانون اساسی بدان اشاره شده، مشارکت کند. این به پایین بودن سطح دستمزدها از یک طرف و تداوم تورّم دورقمی در سالهای متمادی، آثار منفی متعدّدی در جامعه گذاشته که تبدیل شدن مدیریتهای دولتی به مدیریتهای حمایت از کارکنان از جمله آنهاست.

۷- به طور کلی می‌توان گفت که مشکلات اشتغال و بیکاری در کشور ما از ضعف ایمان به کار و وجدان کاری، تبیین نشدن نظام اقتصادی و به تبع آن بی‌ثباتی سیاستهای اقتصادی، وجهه مناسب نداشتن کار و ارزش افزوده، عدم ارتباط بین میزان برخورداری و داشتن سهم در ارزش افزوده، پرداخت سطح پایین به عامل کار (به گونه‌ای که کمتر شاغلی است که از قبل اشتغال در یک

شغل و کار متعارف هزینه‌های متعارف خود را تأمین کند)، و رواج رانت خواری در جامعه نشأت می‌گیرد.

۸- پیشنهادها

برای حلّ مشکل بیکاری دو راه متصور است: راه حلّ معمولی. راه حلّ توسعه‌ای.

راه حلّ معمولی همان راهی است که بدون ایجاد تغییرات در ساختار اقتصادی، در قبال ایجاد هر شغلی در بخشهای اقتصادی سرمایه‌گذاری را پیشنهاد می‌کند. حلّ مشکل بیکاری با این شیوه مستلزم سرمایه‌گذاری کلان در کلّ اقتصاد می‌باشد که با توجه به وضعیت اقتصاد ایران بعید است چنین راه‌حلی مقدور باشد.

حلّ معضل بیکاری از طریق توسعه‌ای مستلزم آن است که تحوّل در باورها و رفتارهای مدیران و مردم صورت گیرد. و این زمانی میسر است که «کار کردن» در جامعه واقعاً ارزش تلقی گردد و از نظر اقتصادی بهای مناسب بدان پرداخته شود. اگر کار اهمّیت یابد و هر کاری که ارزش افزوده ایجاد کند. ارزشمند باشد، و رفاه هر فرد به طور مستقیم تابعی از ارزش افزوده باشد در این صورت کار کردن افتخار محسوب خواهد شد و ایمان به کار و وجدان‌کاری تقویت می‌شود.

البته برای آن که سهم‌بری از امکانات جامعه تابعی از ارزش افزوده باشد، لازم است در چهارچوب قانون اساسی، نظام اقتصادی کشور تبیین شود و در این نظام هر فرد به ارزش افزوده‌ای که ایجاد می‌کند، بیاند و درآمد او نیز تابعی باشد از ارزش افزوده‌اش، آن‌گاه درآمدهای رانت‌خواری (که جز زیان

نفعی به جامعه ندارد) از بین می‌رود و هر کس تلاش خواهد کرد برای بالا بردن رفاه خود، کار بیشتری انجام دهد و ارزش افزوده بیشتری ایجاد کند. بنابراین در این حالت استعدادها شکوفا شده و همه مسیرهای اقتصاد جامعه در مسیر افزایش تولید و ارزش افزوده قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، اقتصاد کشور واقعاً اصلاح می‌شود و استفاده بهینه از منابع معنی می‌یابد؛ نه فقط کم‌کاری و بیکاری پنهان از بین می‌رود، بلکه اگر شاغلان مطابق با ارزش افزوده‌ای که ایجاد می‌کنند سهم ببرند، فقر در بین شاغلان زدوده می‌شود.

اگر سیستم پرداختهای کشور مبتنی بر ارزش افزوده باشد، با رعایت اصول قانون اساسی بویژه اصل ۴۳ آن لازم است سیاست تک‌شغلی در کشور به مورد اجرا گذاشته شود که در این صورت نه تنها بهره‌وری افزایش می‌یابد بلکه در بین شاغلان شادابی و نشاط ایجاد می‌شود و با اختصاص یافتن مشاغل دوّم و سوّم شاغلان فعلی به جویندگان کار، میزان قابل توجهی معضل بیکاری حلّ می‌شود.^{۱۳}

اگر به عامل کار پرداخت مناسب انجام شود، نه فقط فقر در بین شاغلان از بین می‌رود بلکه پس‌انداز آنها افزایش می‌یابد و در نتیجه سرمایه‌گذاری جامعه بالا می‌رود و به تبع آن رشد اقتصادی در کشور افزایش پیدا می‌کند.

اگر کار و ارزش افزوده، جایگاه واقعی خود را در کشور پیدا کنند، کار کردن و کارآفرینی به فرهنگ عمومی تبدیل و معضلات اقتصاد جامعه از جمله معضل بیکاری از طریق به‌کارگیری تکنولوژی مناسب کشور حلّ می‌شود.

اگر کار و کارآفرینی اهمّیت پیدا کند، بسیاری از تولیدکنندگان، از

جمله کشاورزان ما می‌توانند محصولات خود را بدون این که به سرمایه‌گذاری زیادی نیاز باشد به کالای نهایی تبدیل کرده و به بازار عرضه دارند؛ در بخش خدمات، مشاغل متنوع و مولد بسیار ایجاد می‌شود و این بخش را به بخش پویا و پرتحرک بدل خواهد کرد. پس می‌توان گفت حلّ معضل بیکاری در گرو جدّی گرفتن کار و اهمّیت دادن به آن است و اگر چنین شود کلّ اقتصاد کشور متحوّل شده و بواقع جامعه در مسیر توسعه قرار می‌گیرد.

پی‌نوشتها

- ۱- (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۸، ص ۱۴۲).
 - ۲- (فرجادی و عباسی ۱۳۷۶، ص ۳۱۴).
 - ۳- (سازمان برنامه و بودجه د ۱۳۷۸).
 - ۴- (همان منبع، صص ۱۰۶-۱۱۴، ۱۶۲-۱۶۸).
 - ۵- (سازمان برنامه و بودجه ج ۱۳۷۸، ص ۱۳۹).
 - ۶- (همان منبع، ص ۱۴۰).
- 7- Gross Domestic Product.
- ۸- (سازمان برنامه و بودجه، و سازمان ملل ۱۳۷۸، ص ۹۱).
 - ۹- بهره‌وری نسبی عبارت است از نسبت سهم بخش در ارزش افزوده به سهم آن بخش در اشتغال (Chenery 1979, p.18 and Sundrum 1990, p.228).
 - ۱۰- (مراجعه شود به صص ۱۹۰-۱۹۲ مرکز آمار ایران ۱۳۷۶، ص ۱۴۷ مرکز آمار ایران ۱۳۶۷ و ص ۸۲ مرکز آمار ایران ۱۳۵۹).
 - ۱۱- در سرشماری ۱۳۵۵ سواد شاغلان به تفکیک بخش خصوصی و عمومی موجود نیست.
 - ۱۲- (مراجعه شود به ص ۲۴۰ مرکز آمار ایران ۱۳۶۷ و ص ۲۸۳ مرکز آمار ایران ۱۳۷۶).
 - ۱۳- اگر نیمی از ۴,۲۵۷,۹۶۷ نفر شاغل بخش عمومی دارای شغل دوّم و سوّم باشند، در این صورت با سیاست تک‌شغلی برای بسیاری از جویندگان فعلی کار فرصت اشتغال ایجاد خواهد شد.

فهرست منابع و مآخذ

- سازمان برنامه و بودجه، مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی - اجتماعی تا سال ۱۳۷۵، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان، تهران، ۱۳۷۶.
- سازمان برنامه و بودجه (الف)، لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، تهران، شهریور ۱۳۷۸.
- سازمان برنامه و بودجه (ب)، سند برنامه: برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹) پیوست شماره ۲ لایحه برنامه (جلد اول)، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، تهران، شهریور ۱۳۷۸.
- سازمان برنامه و بودجه (ج)، سند برنامه: برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹) پیوست شماره ۲ لایحه برنامه (جلد دوم)، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، تهران، شهریور ۱۳۷۸.
- سازمان برنامه و بودجه (د)، مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، جلد پنجم: ساختار کلی الگوی اقتصادسنجی کلان، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، تهران، مهر ۱۳۷۸.
- سازمان برنامه و بودجه و سازمان ملل متحد، اولین گزارش ملی توسعه انسانی

- جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، تهران، آذر ۱۳۷۸.
- فرجادی، غلامعلی و عباسی، حسین، بازار کار، اشتغال و بیکاری، در اقتصاد ایران، صص ۲۵۹-۳۱۸، ویراسته مسعود نیلی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران، ۱۳۷۶.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ کل کشور، نشریه شماره ۱۸۶، تهران، ۱۳۵۹.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ کل کشور، نشریه شماره ۶، تهران ۱۳۷۶.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، نشریه شماره ۱، تهران ۱۳۷۶.
- Chenery, Hollis, *Structural Change and Development Policy*, Oxford University Press, New York, 1979.
- Plan and Budget Organization and the United Nations, *Human Development Report of the Islamic Republic of Iran, 1999*, Tehran, 1999.
- Sundrum, R. M., *Income Distribution in Less Developed Countries*, Routledge, London, 1990.

TABLE A.1. SOME ECONOMIC INDICATORS OF IRAN IN 1976, 1986 AND 1996

Economic indicator	Year			Proportions (%)			Annual average growth rates (%)	
	1976	1986	1996	1976	1986	1996	1976-1986	1986-1996
GDP	13,131.4	10,682.5	16,141.1				-2.03	4.20
Agriculture	1,706.2	2,650.5	3,669.0	12.7	24.7	23.9	4.50	3.66
Industry	7,128.4	3,435.7	6,057.1	52.9	32.0	37.4	-7.04	5.38
Service	4,640.7	4,554.7	6,250.8	34.4	48.3	38.6	0.03	2.98
Private consumption	4,869.6	6,543.7	9,644.3	37.1	59.1	60.0	2.79	3.89
Government consumption	2,379.4	1,507.0	2,077.0	17.8	13.9	12.9	-4.46	-2.65
Gross domestic investment	3,328.8	1,645.9	2,458.7	24.8	14.9	15.3	-8.80	-1.01
Population (000)	30,709	49,445	60,055	100.0	148.7	178.2	3.91	1.54
Per capita GDP (000)	369.6	216.3	268.9	100.0	88.5	88.0	-5.72	2.30
Per capita consumption (000)	147.4	130.3	160.6	100.0	88.9	108.9	-1.07	1.23
Labour force (000)	8,799	11,082	14,571	100.0	100.0	100.0	2.26	2.85
Agriculture	2,992	3,181	3,357	34.0	29.0	23.0	0.45	0.51
Industry	3,012	2,781	4,473	34.2	25.3	30.7	-0.79	4.87
Service	2,795	5,030	6,741	31.8	45.7	46.3	6.05	2.97
Labour productivity (000):								
Total	1,452.4	971.9	1,107.8	100.0	65.1	74.2	-4.20	2.65
Agriculture	570.3	830.6	1,152.5	100.0	145.7	202.1	3.83	6.77
Industry	2,366.7	1,238.4	1,354.1	100.0	52.2	57.2	-6.29	1.68
Service	1,660.4	928.4	977.3	100.0	56.7	58.8	-5.68	0.04
Government budget ¹	2,580.1	1,532.8	1,508.1	100.0	59.4	58.5	-5.07	-0.30
Government budget deficit	404.3	874.4	902.2	100.0	215.2	74.7	8.03	-19.14
% of government budget	10.1	43.6	1.39				15.49	-20.87
% of GDP	3.08	8.16	1.87				10.26	-28.54
Income distribution:								
Gini coefficient ²	0.515	0.466	0.456	100.0	90.5	88.5		
Share of lower 40%	11.36	12.71	13.43	100.0	111.9	118.2		
Share of middle 40%	31.32	36.51	36.64	100.0	116.6	117.0		
Share of upper 20%	57.32	50.78	49.92	100.0	88.6	87.1		

¹ of sum of domestic value added for production and sum of domestic expenditure for consumption.

² Deflated by implicit price index of government consumption expenditure.

³ Data do not exist for 1975.

Net specified values are in billion Rials.

Source 1) Plan and Budget Organization 1994, Year Series Data on National Accounting, Ministry and Financial, Bureau of Macroeconomics, Tehran

2) Central Bank of Iran, National Accounting of Iran during 1959-1994, Department of National Accounting

3) Statistical Centre of Iran, Various Reports on Income Distribution.

4) Statistical Centre of Iran, National Census of Population and Housing 1979 and 1995, a-d 1995

TABLE A.2
TOTAL POPULATION AND ECONOMICALLY ACTIVE AND INACTIVE POPULATION 10 YEARS OF AGE AND OVER, BY AREA AND BY SEX

Area-Year Country	Both sexes				Male				Female			
	10 years of age and over		Economically active		10 years of age and over		Economically active		10 years of age and over		Economically active	
	Total	Economically active	Economically inactive*	Total	Economically active	Economically inactive*	Total	Economically active	Economically inactive*	Total	Economically active	Economically inactive*
1976	33,768,744	23,057,859	10,710,885	17,858,497	11,788,214	6,070,283	21,120,285	14,208,085	6,912,200	11,208,085	7,489,058	3,729,027
1986	49,445,010	31,874,293	17,820,261	25,260,961	16,841,418	8,919,050	31,742,049	21,302,815	10,439,234	19,302,815	10,867,917	5,437,302
1996	50,655,488	45,461,683	16,027,223	30,515,159	23,021,747	12,848,170	39,540,329	28,379,336	11,160,993	20,368,336	14,224,983	7,047,369
Change during	15,756,266	9,817,794	3,024,215	7,974,614	5,045,004	3,185,329	18,681,840	12,106,721	4,348,733	18,339,264	10,736,929	4,518,285
1976-1986	10,810,478	12,526,790	3,206,937	5,234,198	6,180,339	1,951,791	19,488,551	13,981,071	4,417,981	23,085	3,817,498	1,687,364
1986-1996	26,546,744	21,398,584	6,231,187	13,150,612	11,225,333	4,459,120	20,051,778	14,397,264	6,721,912	16,262,784	7,410,385	3,549,667
1976-1996	16,797,292	12,664,873	2,826,292	5,283,582	5,836,672	1,733,489	39,092,107	33,786,341	11,269,905	37,351,069	21,242,352	11,186,716
Annual average	3.91	3.64	2.73	3.83	3.67	3.27	4.46	4.16	3.52	4.16	3.65	3.02
1976-1986	1.96	3.26	2.76	3.89	3.16	1.07	3.39	3.28	1.72	3.28	2.42	1.02
1986-1996	2.93	3.46	2.49	2.86	3.40	2.16	4.93	3.00	3.52	4.53	3.42	1.72
Urban	13,854,680	11,427,977	4,335,564	8,291,451	6,017,794	3,646,266	11,528,278	7,943,228	4,583,052	11,528,278	8,499,286	4,920,005
1976	26,644,561	18,280,602	7,026,005	13,789,817	9,411,621	6,284,988	21,120,285	14,208,085	6,912,200	21,120,285	14,208,085	6,912,200
1986	36,811,789	26,504,033	9,854,513	18,866,023	14,560,768	8,521,528	26,039,260	18,012,768	13,943,245	26,039,260	18,012,768	13,943,245
Change during	10,989,881	6,652,835	2,680,441	5,478,166	3,393,827	2,436,422	14,740,782	10,804,683	5,311,715	14,740,782	10,804,683	5,311,715
1976-1986	10,810,478	12,526,790	3,206,937	5,234,198	6,180,339	1,951,791	19,488,551	13,981,071	4,417,981	23,085	3,817,498	1,687,364
1986-1996	20,963,109	17,076,056	5,318,949	10,513,572	8,542,964	4,815,252	31,552,832	23,527,451	11,327,232	31,552,832	23,527,451	11,327,232
1976-1996	31,817,889	28,504,033	9,654,513	18,805,023	14,560,768	8,521,528	41,581,110	32,730,239	15,739,197	41,581,110	32,730,239	15,739,197
Annual average	5.41	4.81	4.95	5.20	4.57	5.03	5.03	4.57	5.03	5.03	4.57	5.15
1976-1986	3.21	4.54	3.23	3.17	4.46	3.09	4.80	4.33	4.85	4.80	4.33	4.85
1986-1996	4.30	4.68	4.08	4.18	4.52	4.58	5.23	4.23	4.85	5.23	4.23	4.90
Rural	17,854,064	11,574,521	5,400,492	9,064,686	5,778,620	4,500,784	12,732,007	8,264,860	5,795,002	12,732,007	8,264,860	5,795,002
1976	22,600,489	14,503,491	6,799,206	11,511,344	7,429,797	5,221,691	20,202,108	13,089,105	7,163,984	20,202,108	13,089,105	7,163,984
1986	33,237,699	16,897,050	6,372,710	17,101,366	8,480,959	4,284,642	28,992,231	17,527,563	8,438,061	28,992,231	17,527,563	8,438,061
Change during	4,746,345	3,018,969	333,794	2,448,448	1,651,177	728,907	9,780,123	6,447,763	3,264,077	9,780,123	6,447,763	3,264,077
1976-1986	637,250	2,303,559	578,424	1,890,792	1,031,162	643,049	790,125	438,458	272,307	790,125	438,458	272,307
1986-1996	5,383,635	5,322,528	912,216	2,645,240	2,667,339	2,181,142	17,112,006	12,738,395	2,840,189	17,112,006	12,738,395	2,840,189
1976-1996	6,020,000	5,322,528	1,245,710	4,538,032	3,719,519	1,524,851	27,912,129	20,227,503	10,009,029	27,912,129	20,227,503	10,009,029
Annual average	2.39	2.34	0.60	2.42	2.55	1.51	5.59	2.35	2.14	5.59	2.35	3.15
1976-1986	0.26	1.46	0.96	1.81	1.87	1.87	3.11	1.87	1.87	3.11	1.87	1.87
1986-1996	1.33	1.91	0.78	1.78	1.92	0.35	4.35	1.37	1.86	4.35	1.37	2.24

*Includes "not reported"

Source: SCI/MCPH 1976, no. 186, pp. 1.3, 5.2-5.4, 1946, no. 6, pp. 89-71, 114-116, 1998, no. 1, pp. 109-111)

TABLE A.3
EMPLOYED POPULATION 10 YEARS OF AGE AND OVER BY MAJOR INDUSTRIAL GROUP IN 1976, 1986 AND 1986

Year	Grand		Primary sector			Secondary sector			Tertiary sector			Other.	
	No.	%	Total	Man.	Water.	Total	Man.	Water.	Total	Trade	Trans.		Fin.
1976	8,799,470		2,991,869	3,012,300	89,806	1,872,059	61,633	1,186,720	2,720,562	688,494	431,471	100,473	1,520,124
			34.0		7.0	19.0	0.7	13.5	30.3	7.6	4.8	1.1	17.3
1986	11,001,551		3,190,764	2,781,012	32,370	1,451,333	81,044	1,206,255	4,870,048	875,458	630,547	114,288	3,046,758
			29.0		0.3	13.2	0.8	11.0	42.4	6.0	5.7	1.0	27.7
1986	14,571,572		3,357,263	4,472,958	119,884	2,551,982	150,631	1,650,481	6,484,373	1,927,067	972,792	301,982	3,282,502
			23.0		0.8	17.5	1.0	11.3	44.5	13.2	6.7	2.1	22.5
Change during:													
1976-1986	2,202,151		198,895	-231,288	-57,518	-220,726	29,411	17,545	1,949,468	206,964	198,076	13,615	1,529,631
			2.6	-2.7	-0.5	-7.5	0.3	0.1	22.5	11.5	0.4	0.1	9.4
1986-1986	3,570,021		169,499	1,691,946	87,514	1,100,629	59,587	444,218	1,814,275	1,051,609	342,245	187,874	232,747
			3.0	6.1	0.8	4.3	0.2	3.2	6.5	6.0	0.9	1.2	14.7
1976-1986	5,772,152		365,394	1,460,658	29,956	679,903	88,998	481,781	3,763,761	1,259,573	541,321	201,489	1,762,378
			6.6	13.3	0.3	3.6	0.8	4.3	13.6	5.6	1.8	0.9	5.3
1986/1976	166		1.12	1.48	1.33	1.53	2.44	1.39	2.30	2.89	2.25	3.01	2.16
Ag.=Agriculture, hunting, forestry, and fishing; Man.=Mining and quarrying; Cons.=Construction; Water.=Water, electricity and gas; Trade.=Wholesale and retail trade, etc.; Trans.=Transport, storage and communications; Fin.=Financing, insurance, etc.; Com.=Community, social and personal services; Other.=Activity not adequately defined													

Source: SCI (NCPH 1976, no. 108, p. 73, 1986, no. 6, p. 117; and 1986, no. 1, p. 112)

EMPLOYED 10 YEARS OF AGE AND OVER BY MAJOR INDUSTRIAL GROUP AND LEVEL OF EDUCATION IN 1976 AND 1996

Major industrial group	Grand Total		Literates				Illiterate	Not reported
	1976	1996	Total	Primary	Guidance (Secondary)	Higher education		
1976	8,799,420	3,580,700	1,767,603	408,417	577,783	268,315	5,218,720	0
Agriculture, hunting, forestry, and fishing	2,951,855	579,023	327,173	19,840	8,607	2,860	170,733	2,467,828
Mining and quarrying	89,866	58,098	21,764	7,179	11,534	6,114	5,487	31,600
Manufacturing	1,672,059	644,171	428,743	71,431	45,122	20,060	79,381	1,023,332
Construction	1,169,720	350,811	224,790	30,233	17,248	13,055	63,369	837,866
Water, electricity and gas	61,633	47,174	21,170	6,731	9,681	4,533	8,769	14,159
Wholesale and retail trade, etc.	668,094	354,056	197,147	46,575	33,150	7,197	74,997	314,428
Transport, storage and communications	431,471	271,238	159,332	38,121	30,820	9,555	33,610	160,233
Finance, insurance, etc.	100,473	92,816	16,031	12,464	42,614	12,053	7,296	7,655
Community, social and personal services	1,520,724	1,189,423	393,528	167,706	370,722	186,611	110,656	330,701
Activity not adequately defined	74,689	43,072	14,925	5,917	8,034	3,034	31,677	0
1986	11,035,962	6,580,982	2,551,516	1,005,096	1,826,316	497,286	700,768	4,450,443
Agriculture, hunting, forestry, and fishing	3,008,613	544,085	579,845	171,297	84,574	5,263	213,784	2,367,189
Mining and quarrying	32,377	20,911	6,654	2,420	4,850	1,146	3,763	11,481
Manufacturing	1,460,132	658,505	483,871	151,518	174,109	21,724	123,263	501,108
Construction	911,064	277,773	26,150	8,363	26,217	7,446	5,508	18,276
Water, electricity and gas	1,207,059	494,177	240,920	77,148	54,056	13,115	69,538	712,186
Wholesale and retail trade, etc.	875,919	574,116	255,756	77,915	182,474	16,842	69,793	301,361
Transport, storage and communications	630,704	465,688	222,685	63,989	125,773	12,488	40,983	164,684
Finance, insurance, etc.	114,202	109,305	15,218	8,586	66,353	13,601	3,967	4,982
Community, social and personal services	3,050,943	2,680,033	639,672	462,768	1,072,207	378,963	126,463	369,998
Activity not adequately defined	364,489	250,405	93,966	36,204	73,724	23,435	33,047	103,228
1996	14,571,572	11,448,059	3,733,179	2,657,827	2,628,115	1,402,617	1,026,321	3,123,513
Agriculture, hunting, forestry, and fishing	3,357,283	740,964	883,471	375,319	108,783	15,715	331,883	1,607,899
Mining and quarrying	119,844	109,692	29,634	22,581	34,763	14,393	7,147	10,192
Manufacturing	2,561,962	2,192,890	883,878	584,966	384,814	90,084	240,278	359,072
Construction	1,650,491	1,140,708	39,310	39,833	125,727	39,292	127,546	509,773
Water, electricity and gas	1,930,631	1,39,321	33,859	28,456	44,260	24,966	7,950	11,310
Wholesale and retail trade, etc.	1,927,067	1,643,913	541,251	470,156	456,644	61,034	112,428	283,564
Transport, storage and communications	972,792	685,971	313,061	230,928	214,275	54,349	54,949	117,121
Finance, insurance, etc.	301,962	291,504	36,119	48,701	136,277	60,585	7,622	10,458
Community, social and personal services	3,282,502	3,142,356	420,778	539,542	1,026,038	1,026,764	118,814	140,148
Activity not adequately defined	277,026	183,040	49,066	39,951	50,055	26,702	17,264	73,888
Change during 1976-1996	5,772,152	7,867,359	1,965,576	2,251,410	2,050,332	1,134,302	465,729	2,065,207
Agriculture, hunting, forestry, and fishing	65,968	122,021	581,268	355,673	129,675	12,925	160,850	684,927
Mining and quarrying	29,966	51,694	1,870	15,402	23,259	6,823	2,259	21,608
Manufacturing	879,943	1,546,163	464,065	523,535	339,692	69,994	160,867	666,260
Construction	461,761	789,897	319,520	276,600	111,379	26,241	62,157	328,196
Water, electricity and gas	681,996	91,847	12,469	21,725	34,369	20,163	3,071	72,849
Wholesale and retail trade, etc.	1,258,573	1,289,447	349,104	423,561	425,494	53,837	37,431	60,874
Transport, storage and communications	541,321	584,439	153,729	192,867	183,605	32,953	21,339	43,112
Finance, insurance, etc.	201,489	198,666	18,068	35,817	95,663	46,532	566	2,803
Community, social and personal services	1,762,378	1,952,933	67,250	372,236	665,316	840,173	7,958	190,555
Activity not adequately defined	182,339	140,028	34,143	34,034	41,850	20,771	9,230	42,311

Source: SCI (NC-PH 1976, no. 186, p.76; 1986, no. 6, p. 129, 1996, no. 1, p. 145; Chb-1986.wkk)

